فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۶۵- ۱۴۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۷

ویژگی‌های حکومت آخر الزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج البلاغه

محمد هادی امین ناجی[۱]
دانشیارگروه علوم قران، حدیث و نهج‌البلاغه دانشگاه پیام نور
مصطفی دلشاد تهرانی[۲]
استادیار گروه نهج‌البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران
احمد محتشمی[۳]
دانشجوی دکتری نهج‌البلاغه دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب (نویسنده مسؤل)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۱ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۲۶**

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام نگاه واقع‌بینانه به آیندهِ انسان‌ها، بعنوان دغدغه آمیزترین مسئله بشری است. نگرش جامع و کامل اسلام به آینده‌پژوهی را در توانایی تصور از آینده به طریق مطالعه، تحقیق یا تصویر پردازی با بهرمندی از روشهای علمی، آموزه‌های دینی، یا کشف و شهود غیرمادی، در همه زمینه‌ها و از جمله ویژگی‌های حکومت آخرالزمان می‌توان دید. ما در این مقاله در پی استنباط ویژگی‌های مدینه فاضله حضرت حجت(عج) هستیم. بنابر این بررسی مسائل بنیادین شرایط و ویژگی‌های حکمرانی آینده جهان و نقش انقلاب اسلامی ایران بعنوان مقدمه ظهور منجی عالم بشریت از مهم‌ترین موضوعاتی است که با تکیه بر نهج البلاغه بررسی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، حکمرانی، آینده، حاکمان.

1. mh_aminnaji@pnu.ac.ir
2. delshadtehrani@gmail.com
3. loopmatlab@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

مقدمه

در بسیاری از آیات قرآن، جوامع روایی و نهج‌البلاغه بشارت حکومت آخر الزمان و ویژگی‌های آن به‌عنوان آینده مُرجّح(تعریف شده در آینده‌پژوهی)که مطلوب بشریت می‌باشد، اشارات فراوانی شده است که تبیین کننده اتفاقات، رویدادها و ویژگی‌های آن دوران می‌باشد. از طرفی یکی از ارکان تشکیل دهنده آینده‌پژوهی تصویرها هستند که بیان کننده ذهنیت مشترک افراد جامعه نسبت به یک موضوع خاصی است. در این راستا می‌توان با برشمردن ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر آن جامعه، تصویر واضحی ترسیم نمود. البته برای رسیدن به آن مقصود باید زمینه ایجاد آنرا در اولین قدم با شکل دادن گفتمان اسلام سیاسی که زمینه آن در انقلاب اسلامی ایران بوجود آمده است، را فراهم ساخت. «شکل‌گیری گفتمان اسلام سیاسی در فرآیند انقلاب اسلامی و متعاقب آن در کشورهای اسلامی، جنبش فرهنگی دینی است که نسبت به فرسایش هویت و امنیت از خود واکنش نشان می‌دهد و با در نظر گرفتن گونه‌های مختلف از اسلام سیاسی، در صدد ارائه رویکردی ایجابی و سازنده از حکومت دینی است»(دهشیری و مقامی، ۱۳۹٤: ۵). «گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند...و تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند» (عامری گلستانی و قادری، ۱۳۹۱: ٦).از دیدگاه نهج البلاغه، حکمرانی از مهمترین ابزارهای نیل جامعه به کمال و تعالی است، لذا حکومت بخاطر داشتن امکانات مناسب می‌تواند وسیله مناسبی برای نیل به این هدف اصیل باشد. حکمرانی، سازمانی است که قدرت خود را به نمایندگی از مردم دارد، لذا حکمرانان وکیل(و نه قیم و مالک) مردم هستند. ما در این مقاله ضمن بیان تصویر حکومت ایده‌آل عدل الهی از دیدگاه نهج‌البلاغه، به واکاوی همه جانبه با ویژگی‌های آن به عنوان آینده مُرجّح، (تعریف شده در آینده‌پژوهی) خواهیم پرداخت.

بیان مسأله

با توجه به پیشرفت شگفت انگیز علم، در همه شاخه‌ها، انسان‌ها نمی‌توانند نسبت به آینده خود و زمینه سازی برای ایجاد حکومت عدل الهی، بی‌تفاوت باشند. توجه گسترده بشر به علوم ستاره‌شناسی، نجوم و مانند آن برای پیش‌بینی آینده، نشان دهنده این دغدغه فکری در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

جهان اطراف اوست. بنابراین، چگونگی برنامه‌ریزی و کسب تجربه گذشتگان در ترسیم آینده او بسیار مؤثر و حیاتی است. امام علی(ع) می‌فرمایند: «پسرم، هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما در کارهاشان نگریسته‌ام و در سرگذشته‌هاشان اندیشیده‌ام و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام»(نامه/ ۳۱). آینده‌پژوهی در رابطه با ویژگی‌های حکومت آخرالزمان، با تکیه بر نهج‌البلاغه از اموری است که اولاً: جایگاه آینده‌پژوهی را از دیدگاه نهج‌البلاغه مورد توجه قرار می‌دهد و ثانیاً: می‌توان فهمید که اگر جامعه‌ای نگاه به آینده در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی خود نداشته باشد، چه اتفاقاتی آن جامعه را تهدید خواهد کرد و ثالثاً: با این تحقیق به مکانیسمی دست خواهیم یافت که می‌توان برای معضلات جامعه، راه حل مناسبی ارائه نمود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

پیشینه پژوهش

گرچه بنا بر عرف موجود این دانش مربوط به چند دهه پیش و از غرب می‌باشد، ولی با بررسی دقیق تاریخ خواهیم یافت که آینده‌پژوهی قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد. «توان پیش‌بینی در همان اوان زندگی، خود رانشان می‌دهد؛ در واقع، به محض درک این مهم از سوی نوزاد که گریه‌اش واکنش دیگران را در پی دارد، توان پیش‌بینی آینده رخ می‌نماید (وندل بل، ۱۳۹۱: ٤٢). اشتیاق بشر برای دانستن آینده در زمینه‌های مختلف و از جمله حکومت‌داری به درازای تاریخ زندگی بشر برمی‌گردد. صرف نظر از سنت و سیره انبیاء الهی و امامان معصوم(ع) در حکومت‌داری، «کتاب جمهور افلاطون آغازگر سنت آرمان شهری(مدینه فاضله) بودکه در گسترش مطالعات آینده نقش داشت).(مافی، ۱۳۹۰: ۱۹). در طول تاریخ، بشر برای استیلای بر منابع مختلف و کسب قدرت، در پی یافتن راه‌های چیرگی بر انسان‌ها و جوامع بوده است. مثلاً تافلر با انتشار کتاب موج سوم(۱۹۸۰) بیش از پیش و در ابعادی بی سابقه، توجه جهان را به این رویکردها جلب نمود. وی با انتشار آثاری چون «ورق‌های آینده»، «جابجایی در قدرت»، «جنگ و ضد جنگ» و «آفرینش تمدنّی جدید: سیاست در موج سوم» در رأس آینده‌پژوهان و آینده‌شناسانی معاصر غرب جای گرفت و توجه بین المللی را به این رویکردمعطوف کرد. دو سازمان پر اعتبار «انجمن آینده دنیا» در سال ۱۹٦۷ درآمریکا و «فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی» در سال ۱۹۷۳ در پاریس تأسیس

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

شدند که بطور حرفه‌ای در همه عرصه‌های آینده‌پژوهی فعالیت خود را آغاز نمودند.(دارابی، ۱۳۹۵: ۳۷). اما آنچه این مقاله را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند، بررسی آینده حکمرانی مطلوب و مرجح در آینده‌پژوهی اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه می‌باشد.

ضرورت و اهمیت مسئله

امروزه تغییرات جهانی در بخش‌های علوم، فن‌آوری و غیره با آهنگی پر شتاب رخ می‌دهد. به دنبال این تغییرات، تحولات روزافزون در جنبه‌های مختلف زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و حکومت‌ها، تمرکز زدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فن–آوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری از عوامل دیگر، لزوم و ضرورت درک بهتر تغییرات و آینده حکمرانی را برای دولت‌ها، کسب و کارها، سازمان‌ها و مردم ایجاب می‌کند. این تحولات و تغییرات، یکی از پدیده‌های عادی در جوامع می‌باشد و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. و این نگاه غامض، پاسخ خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست. چنان که تمایل به حس کنجکاوی و نگرانی انسان در باره سرنوشت خود در آینده، از مهم‌ترین دلیل‌های ضرورت آینده‌پژوهی در همه زمینه‌ها و از جمله حکمرانی‌هاست که با دقت در اصول مندرج در قانون اساسی انقلاب اسلامی، با هویت مردم سالاری و مبتنی بر اندیشه دینی پرچم‌دار ایجاد زمینه ظهور منجی عالم بشریت شده است. «انقلاب اسلامی داعیه‌دار به میدان آوردن دین در عرصه اجتماعی بود و مبتنی بر اندیشه دینی، حکومت و مردم‌سالاری دینی را تشکیل داد»(آجیلی و بیکی، ۱۳۹۵: ۱۱).

تصویر حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی اسلامی از منظر نهج‌البلاغه

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در نهج‌البلاغه به آن پرداخته شده و یک آینده‌پژوه اسلامی باید آنرا مورد تحقیق و بررسی قرار دهد، موضوع حکمرانی و ویژگی‌های یک حکمران ایده‌آل می–باشد. پاسداشت حقوق مردم در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند آن، از اهمیت بالایی برخوردار است و اگر حکمرانان نسبت به آن ناآگاه یا بی‌توجه باشند، چون

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

از امکانات و قدرت حکومتی زیادی برخوردار هستند، می‌تواند منشأ بسیاری از مفاسد و تباهی‌های آینده جوامع و در نتیجه سرایت به کل جهان باشد. هدف آینده‌پژوهی اسلامی در رابطه با حکمرانی خوب، ایجاد آینده متعالی‌ای است که در آن مردمی که مورد استضعاف قرار گرفته‌اند را از قید مستکبران نجات داده و محرومیت و تبعیض را از آنها بردارد. وقتی به آیات، ۵ قصص، ۱۰۵ انبیاء، ۵۱ غافر، ۲۱ مجادله، ۵۵ نور و مانند آن نظر می‌اندازیم، می‌بینیم که خواست و اراده الهی بر آن است که مستضعفان، وارثان زمین در آینده باشند، و مقام امامت و پیشوایی به آنان تعلق گیرد و این در پرتو ایجاد حکومتی است که احکام قرآن را عملی سازد، لذا در اصول ۳، ۱۱، ١٤ و ١٥٤ قانون اساسی جمهوری اسلامی بجهت تکریم جایگاه و شأن انسان‌ها اشاراتی به این امر مهم شده و مورد تإکید فراوان امام(ره) و مقام معظم رهبری قرار گرفته است. اگر از دیدگاه قرآن آینده باید اینگونه باشد(چه اینکه در تعریف آینده مُرجّح بیان می‌شود)، بنابر این یک آینده‌پژوه اسلامی نمی‌تواند مُنفک از تحقیق در این زمینه بسیار حیاتی و مهم باشد. «موضوع (کنش حمایت‌گرانه در دین اسلام در همه زمینه‌ها از جمله حمایت از فقرا و مستضعفان و محرومان) در اسلام نه تنها به عنوان یک اصل انکار نشدنی تلقی شده، بلکه یکی از معیارهای تحقق دین مداری و ایمان شناخته می‌شود»(درخشه و کمالی، ۱۳۹۵، ٥-٤). یکی از شاخصه منحصر به فرد نهج‌البلاغه آن است که گوینده کلمات بلند و نورانی آن به عنوان حاکم جامع الشرایط نظام اسلامی، علاوه بر ارائه دیدگاه متعالی نظری، خود نیز عامل به آن بوده و برای تحقق حکومت اسلامی از نوجوانی در رکاب حضرت رسول اکرم(ص) از هیچ فداکاری دریغ نداشته است. «من در خردسالی، بزرگان عرب را به خاک افکندم و شجاعان دو قبیله معروف ربیعه و مضر را درهم شکستم» (خطبه/ ۱۹۲) و تعلیم یافته و بزرگ شده مکتب آن بزرگوار است. «و من همواره با پیامبر(ص) بودم، چونان فرزند که همواره با مادر است. پیامبر هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می‌فرمود و به من فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم» (خطبه/ ۱۹۲) و در این راه از ملامت هیچ ملامتگری متأثر نمی‌شد و با یقین و اعتقاد راسخ مسیر حضرت رسول(ص) را دنبال می‌فرمود. «وَ أنّی لَمِن قوم لا تَأخُذُهُم فی الله لَومَةُ لائم» (خطبه/ ۱۹۲). امام علی(ع) کسی است که به تعبیر ابن ابی الحدید معتزلی اگر وی نمی‌بود رسالت حضرت رسول اعظم(ص) به انجام نمی‌رسید. «اگر ابوطالب و فرزندش نبودند، دین(اسلام) هرگز تجسم نمی‌یافت و برپا نمی‌ایستاد او(ابوطالب) در مکه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

پناه داد و حمایت کرد و این (امام علی(ع)) در مدینه تا پای جان جنگید» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج۱٤، صص۸٤-۸۳). تمامی این مبارزات و مجاهدت‌های امیرالمؤمنین علی(ع) برای تحقق آرمان‌های حکومت اسلامی بوده است تا انسان‌ها را از یوغ سرسپردگی به شیاطین و هواهای نفسانی به آزادی و زندگی واقعی راهنمایی کند. «ای اهل ایمان هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما زندگی واقعی می‌بخشد دعوت می‌کنند اجابت کنید» (انفال/ ٢٤). فرق دیدگاه امام علی(ع) به حکمرانی(که در زمان حضرت مهدی(عج) ظهور پیدا می‌کند) با هوا پرستان در آن است که وی، حکمرانی را بعنوان وسیله‌ای برای هدفِ متعالی رساندن بشر به عبودیت خداوند سبحان و تربیت آنها و ایجاد زندگی اجتماعی آرمانیِ تعریف شده در قرآن و عترت دعوت می‌کند: «خدایا تو میدانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم»(خطبه/ ۱۳۱)، در حالی که نگاه دیگر حکمرانان به حکومت رسیدن به منابع ثروت و قدرت و تحکم بر مردم می‌باشد. «لکن از این اندوهناکم که بیخردان و تبهکاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به بردگی کشند»(نامه/ ٦٢). بنابر این نوع رفتار و سیاست‌گذاری‌های حاکمان، بشدت متأثر از نوع نگاه آنها به حکمرانی می‌باشد . اگر حاکمان از حکمرانی، تسلط بر منابع و ثروت و دستیابی به قدرت اراده کنند، حاکمیت استبداد و خودکامگی بوجود خواهد آمد، ولی اگر نگاه حاکمان به حکومت، خدمت به مردم و هدایت و ارشاد آنها به آرمان‌های والای الهی باشد هرگز از امکانات به قصد خودکامگی و تسلط بر منابع مالی و استبداد استفاده نخواهند کرد، بلکه حکمران خود را خزانه دار مردم و امانتدار بیت المال می‌بیند. «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم و نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید»(نامه/ ۵۱). در نامه ۵ امام علی(ع) به اشعث می‌فرمایند: «در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری». حال، این نگاه امام علی (ع) را با آنچه در نگاه غیر علوی از حکمرانی استنباط می‌شود، مقایسه نمایید، که در بدو حکمرانی خود، چک سفید امضاء در تصرف و دخل و خرج بیت المال و دیگر امکانات را می‌طلبند تا اختیارات حکمرانی خود را تا آنجا که ممکن است افزایش دهند ولی از نظر

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

امام علی(ع)، حکمران خزانه‌دار و امانتدار بیت المال است.

گاهی مفهوم حکمرانی بدلیل تبلیغات فریبنده در بین جوامع چنان ترویج داده می‌شود که از واقعیت خود فرسنگ‌ها دور می‌گردد و مترادف با هنرپیشگی حاکمان در چگونگی تسلط بر جامعه به هر وسیله ممکن تبدیل می‌شود.(دیدگاه ماکیاولی(یا دیدگاه معاویه) که هدف وسیله را توجیه می‌کند). «به خدا سوگند معاویه زیرک‌تر از من نیست لیکن شیوه او پیمان شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان‌شکنی ناخوشایند نمی‌بود، زیرک‌تر ازمن کسی نبود»(خطبه/ ۲۰۰). بنابر این حکمرانی در منطق معاویه دعوت جامعه به خود است و لی حکمرانی در منطق امام علی(ع) دعوت مردم به خدا و اجرای احکام الهی است.(جوادی آملی، ۱۳٦۸: ۵۷-٦۷). این مهم به‌عنوان یکی از مبانی و پایه‌های حکمرانی در نهج البلاغه است، که مفهوم جایگاه و ویژگی‌های حکومت و حاکمان در نهج‌البلاغه به عنوان آینده مرجح و مطلوب در آینده‌پژوهی اسلامی باید به درستی تبیین شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

مفهوم‌شناسی و جایگاه سیاست و حکومت‌داری در آینده‌پژوهی اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه

اولین گام تحقیق آینده‌پژوهان اسلامی در زمینه حکمرانی آن است که سیاست را به‌عنوان ابزار هدایت، رهبری، تدبیر امور و فراهم ساختن زمینه‌های اصلاح و ارشاد مردم(و نه عامل فریب و گمراهی آنها) در حکومت‌ها بدانند. سیاست و حکومت‌داری آخر الزمان تصویر روشنی از تعاریفی است که امام علی(ع) از آن نشان می‌دهند. وی، سیاست درست و نیکو را مایه راستی و درستی و برپایی مردم دانسته، می‌فرمایند: «نیکویی سیاست، برپا دارنده مردم است».(خوانساری، ۱۳٦۰، ج۳: ۳۸٤). حکومت حضرت مهدی(عج) مطابق اندیشه امام علی(ع)، به مفهوم قدرت‌مداری، خودرأیی، تحّکم و تجبّر نمی‌باشد، بلکه تدبیر صحیح امور در جهت خدمت به مردم، تحقق عدالت و فراهم کردن زمینه تربیت است. از این رو امام علی(ع) زمامداران و حاکمان قدرت‌مدار و خودکامه را سیاست‌مدار و شایسته قرار گرفتن در جایگاه سیاست مردمان نمی‌داند، لذا در نامه‌ای به معاویه می‌فرمایند: «معاویه! از کی شما سیاست‌مداران مردم و سرپرستان کار این امت بوده‌اید؟ نه پیشینه‌ای در دین دارید، و نه شرفی مهین از زمان پیشین؛ و پناه به خدا از گرفتاری به شقاوت دیرین...»(نامه/ ۱۰). بنابر این از منظر امام علی(ع)، سیاست انسانی به دور از فریبکاری، قدرت‌مداری، ریاکاری و زورگویی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

است؛ بلکه تدبیر امور با مبانی اخلاقی و رفتار انسانی است، و از آفات نفسانی و مدیریتی به دور بوده و بر اساس خطوط کلی سامان می‌یابد که اهداف آن عبارتند از (۱) آگاهی بخشی سیاسی و غیرسیاسی(خطبه ۳٤ و ۵۱). (۲) پاسداشت آزادی (نامه ۱ و ٥٤ و کلام ۲۰۸). (۳) دادگستری(بخش پایانی خطبه ۳ و نامه ۵۳). (٤) امنیت سازی (نامه ۵۳ «و أشعر قلبک...» و کلام ٤۰ و ۱۳۱ وخطبه ۲۱٦«فلا تُکلمونی بما تُکلموا به الجبابرة...»). (۵) بهبود مادی (نامه ۵۳«اسبغ علیهم الارزاق...» و خطبه ۳٤«و توفیر فیئکم...»). (٦) حقوق‌گرایی (خطبه ۲۱٦ و کلام ۲۰۵). (۷) اصلاح فرهنگی (خطبه ۱۰۵«و الاحیاء للسُّنّةِ...» و کلام ۱٦٤ و حکمت ۳۷ و خطبه ۳۲ و ٤۱ و کلام ۲۳۳).

پایه‌های حکمرانی(آخر الزمان) در آینده‌پژوهی اسلامی از نگاه نهج البلاغه

پایه‌های حکمرانی حضرت حجت(عج) در آینده‌پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج‌البلاغه که مورد تحقیق آینده‌پژوهان اسلامی واقع می‌شود، در یک تقسیم‌بندی کلی بر دو مبنا استوار است.

۱)ماهیت حکمرانی؛ که همان پیمان الهی از علما و فرهیختگان برای برپایی حکومت الهی است. امام علی(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «و اگر خداوند از عالمان پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگیِ ستمگر و گرسنگیِ ستمدیده، هیچ آرام و قرار نگیرند بی تأمّل رشته حکومت را از دست می‌گذاشتم»(خطبه/ ۳). «خداوند از آگاهان و فرهیختگان پیمان گرفته است که برای برپایی حق و عدالت برخیزند و این پیمانی فطری است، زیرا فطرت آدمی عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص دارد»(موسوی خمینی، ۱۳٦۲: ۱۵۲).

۲) اقبال عمومی مردم؛ که سبب محقق شدن حکومت می‌گردد. «اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند...مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم»(خطبه/ ۳). بنابر این حکمرانیِ احدی جز به خواست مردم محقق نمی‌گردد (البته اینکه خداوند دلها را منقلب می‌کند و مانند آن، امر دیگری است) مگر آنکه بوسیله استبداد و تجبّر بر ملتی حکمرانی کرد که پایه‌ای بشدت متزلزل و ناپایدار خواهد داشت زیرا مردم نقش ایجادی، ابقایی و اصلاحی دارند و در آخر الزمان باید مردم به آن بینش و معرفت برسند تا زمینه ظهور محقق گردد و دولت عدالت گستر ایجاد شود. امام علی(ع) پس از آنکه مردم در روز شورا با عثمان بیعت کردند فرمودند: «ما را حقی است، اگر به ما داده

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

شود، و گرنه بر پشت شتران سوار شویم و برای گرفتن آن برانیم هر چند شب رَوی به طول انجامد»(حکمت/ ۲۲). و یا اینکه می‌فرمایند: «اگر حضور مردم نبود»(خطبه/ ۳) و یا: «دستم را (برای بیعت) گشودید و من آنرا بستم و به سوی خود کشیدید و من آنرا برگرفتم سپس به من هجوم بردید»(کلام/ ۲۲۹) که اشاره به نقش ایجادی مردم دارد. نکته قابل توجه اینکه، در نظام بشری، روابط انسانی و مدیریت بشر بر بشر، کسی مالک و صاحب اختیار کس دیگری نیست چون جنس آن حقوقی و رابطه دو ذی حق است (تماثل حقوقی که در خطبه ۲۱٦ مفصل آمده است) لذا بلافاصله حق و تکلیف ظاهر می‌گردد. حضرت علی(ع) در جنگ صفین به لشکریان خود می–فرمایند: «جز این نیست که ما و شما بندگان و مملوک پروردگاریم و جز او پروردگاری نیست. او مالک ماست و ما را بر نفس خود اختیاری نیست»(خطبه/ ۲۱٦). البته نظر اهل تسنن در این رابطه با اعتقادات شیعه(غیر از بند ۵ زیر) تفاوت دارد و آنان معتقد به اصول ششگانه زیر برای تصدی امر خلافت و حکومت‌داری هستند. ۱)تئوری اهل حل و عقد(مثل آنچه در تشکیل سقیفه کردند) ۲) اصل تغلب(همان چیزی را که امام علی(ع) در خطبه‌های ۱۷۲ و ۲۱۷ به آن اشاره می‌نمایند) ۳) اصل استخلاف (که در خطبه ۳ امام(ع) به آن اشاره می‌فرمایند آنجا که ابوبکر قبل از فوتش، خلافت را به عمر تسلیم کرد) ٤) اصل شورا (که در خطبه ۳ امام علی (ع) می‌فرمایند: فیاللهِ وَ لِلشوری) ۵) اجماع و ٦) توارث، هستند. (ر.ک. دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، دفتر دوم).

نکته بعدی که آینده‌پژوهان اسلامی در این زمینه به آن می‌پردازند اینکه حق حاکمیت، علی الاطلاق از آن خداوند سبحان است ولی همان خدا، حق حاکمیت و رقم خوردن سرنوشت سیاسی و اجتماعی هر قومی را به خود آنها واگذار کرده است. مانند هدایت و ضلالت که از آن خداست«یهدی من یَشاء و یُضِلّ مَن یشاء»(مدثر/ ۳۱) و مانند آن، خدای متعال گرچه راضی به گمراهی ما نیست«وَ لا یَرضیَ لِعبادِه الکفر»(زمر/ ۷)، در عین حال می‌فرماید: «فمن شاء فلیؤمِن و مَن شاءَ فلیکفُر»(کهف/ ۲۹). اما حق حکومت و حکمرانی از آنِ شایستگان و فرهیختگان است و خداوند به همه امر فرموده تا این امانت را به اهلش واگذار کنیم «إنّ اللهَ یَأمُرُکُم أن تُؤدوا الامانات إلی اهلها»(نساء/٥٦).

آخرین نکته اینکه، موضوع نبوت و امامت یک جایگاه معنوی و الهی است ولی حکمرانی، امری بشری و دنیایی است که فی نفسه هیچ ارزشی ندارد. در نبوت و امامت مردم نه اختیار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

سلب دارند و نه اختیار دادن، ولی در امر حکمرانی، چون از آن مردم می‌باشد لذا می‌توانند از کسی سلب یا به کسی عطا نمایند و این همان امری است که آینده‌پژوهان با بررسی نوع دیدگاه و رویکرد اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی هر جامعه، امکان تحقق حکومت عدل الهی را برای آینده جوامع پیش‌بینی می‌نمایند. اگر به بخش‌های مختلف نهج‌البلاغه و مخصوصاً خطبه ۲ توجه کنیم این موضوع را بیشتر درک خواهد شد. حضرت علی(ع) در این خطبه می‌فرمایند: «وَ لَهُم خَصائِصُ حَقّ الولایَه»(خطبه/ ۲). با دقت در موضوع فوق الذکر در می‌یابیم که حق ولایت که همان حکمرانی است از آن شایستگان(اهل بیت عصمت و طهارت(ع)) می‌باشد ولی بدلایلی که مردم اقبال نکردند محقق نشد. پس از ۲۵ سال خانه نشینی، امام(ع) در ادامه می‌فرمایند هماکنون حق ولایت به اهلش بازگشت «ألانَ إذ رَجَعَ الحَقُّ إلی أهلِهِ و نُقِلَ إلی مُنتَقَلِهِ»(خطبه/ ۲). از اینجا معلوم می‌شود که حق حکومت و حکمرانی یک امری بشری است چون اگر حق حکومت را امر الهی و معنوی بدانیم، (چه اینکه خوارج مبتلای به همین اشتباه شدند – رجوع شود به خطبه ٤٠) دچار خطای بزرگی خواهیم شد زیرا امر معنوی و الهی رفتنی نیست که به خواست مردم برگردد.

شاخصه‌های بشری حکمرانی در آینده‌پژوهی اسلامی از نگاه نهج‌البلاغه

از جمله مسائل بسیار مهمی که مورد ارزیابی آینده‌پژوهان اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج–البلاغه قرار می‌گیرد، اینکه حکمرانی فی حد ذاته، شأن و مقامی بحساب نمی‌آید و تنها وسیله‌ای است که می‌توان با آن احکام و فرامین الهی را اجرا کرد و نظام عادلانه اسلامی را برقرار نمود. حضرت امام خمینی(ره) در کتاب ولایت فقیه خود در قسمتِ «حکومت وسیله‌ای است برای تحقق هدفهای عالی» اینگونه می‌فرمایند: «عهده دار شدن حکومت(حکمرانی) فی حدّ ذاته، شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است....پس نفس حاکم شدن و فرمانروایی وسیله‌ای بیش نیست....بعضی از مردم چون دنیا چشمشان را پر کرده خیال می‌کنند که ریاست و حکومت فی نفسه برای ائمّه(ع) شأن و مقامی است که اگر برای دیگری ثابت شد دنیا بهم می‌خورد»(موسوی خمینی، بی تا: ٥٩–٦٠). در سال ٣٦ هجری قمری، امام علی(ع) هنگام عزیمت به شهر بصره، جهت جنگ با ناکثین در سرزمین ذی‌قار در حال پینه زدن کفش مبارک‌شان بودند که عبدالله ابن عباس بر وی وارد می‌شود. امام(ع) از او

فصلنامه علمی–پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

می‌پرسند: در نظر تو این کفش چقدر ارزش دارد؟ او جواب می‌دهد: قیمتی ندارد. امام(ع) به وی می‌فرمایند: «به خدا سوگند همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر آنکه حقی را با آن بر پا دارم یا باطلی را دفع نمایم»(خطبه/۳۳). در بخش پایانی خطبه ۳ امام پس از بیان شرایط قبولی حکمرانی، در ادامه آن می‌فرمایند: «آنگاه می‌دیدید که دنیای شما(ناظر به حکمرانی است) نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است».

شاخصه‌های بشری بودن حکمرانی که مورد ارزیابی آینده‌پژوهان اسلامی در رفتارشناسی امام علی(ع) قرار می‌گیرد عبارتند از:

۱) گذرا و موقتی بودن حکمرانی: در معرفت‌شناسی، حکومت برخاسته از دولت است که از «دَوَلَ» به معنای «گردش» گرفته شده است. اگر حکمرانی امر الهی می‌بود قطعاً دست به دست نمی‌گشت در حالی که: «تلک الایّام نُداوِلُها بین الناس»(آل‌عمران/ ۱۴۰). در بخشی از نامه ۶۲ امام(ع) می‌فرمایند: «سوگند به خدا، نه در فکرم می‌گذشت، و نه در خاطرم می‌آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا(ص) از اهل بیت او بگرداند، یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن حکمرانی بازدارند. تنها چیزی که نگرانم کرد شتافتن مردم به سوی فلان شخص(ابوبکر) بود که با او بیعت کردند. من دست باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد(ص) را نابود سازند. پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست که (این حکمرانی) کالای چند روزه دنیاست و به زودی ایام آن می‌گذرد چنانکه سراب ناپدید می‌شود یا چونان پاره‌های ابر که زود پراکنده می‌گردد»(نامه/ ۶۲). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا دین و ارزش‌های انسانی مهمتر است یا حکمرانی؟ با توجه به فراز بالا در می‌یابیم که قطعاً دین و ارزش‌های انسانی در نگاه امام علی(ع) بسیار مهمتر است. در بخش انتهایی این فراز نیز گذرا بودن امر حکومت‌داری را به صراحت بیان می‌فرمایند: «إنّما هِیَ مَتاعُ أیّام قَلائِلَ یَزُلُّ مِنها ما کانَ ، کَما یَزُلُّ السرابُ»(نامه/ ۶۲).

۲) تبعیت حکمرانی از اطلاعات و آگاهی‌ها: حکمرانی در نگاه امام علی(ع) به شدت تابع اطلاعات و آگاهی‌هایی است که باید حکمرانان بدست آورند به مالک اشتر لذا حضرت می–فرمایند: «فراوان خود را از رعیت خویش پنهان مکن که پنهان شدن والیان از رعیت نمونه‌ای است از تنگ‌خوئی و کم اطلاعی در کارها و نهان شدن از رعیت، والیان را از دانستن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

آنچه بر آنان پوشیده است باز دارد...و همانا والی بشر است که آنچه را مردم از او پوشیده دارند نداند»(نامه/ ۵۳).

۳) خطاپذیری در حکمرانی: شاخصه بعدی بشری بودن حکمرانی در نهج‌البلاغه خطاپذیری در حکومت است. حضرت علی(ع)می‌فرمایند: «من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند»(خطبخ/ ۲۱۶). در امر حکمرانی، اگر حکمران شخص رسول الله(ص) هم باشد جریان عملکرد خالد ابن ولید اتفاق می‌افتد و یا در جریان برکناری منذر ابن جارود عبدی امام علی(ع) مرقوم می‌دارند: «همانا شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوشبین، و گمان کردم همانند پدرت می‌باشی و راه او را می‌روی»(نامه/ ۷۱). در این فراز امام(ع) تعمداً تصریح به خطاپذیری در امر حکمرانی دارند تا به همه این موضوع را آموزش دهند.

٤) محدودیت‌پذیری در حکمرانی: در موضوع حکمرانی(چون جنس آن بشری است) نمی‌توان هرکاری انجام داد زیرا حرکت از قوه به فعل زمان بر است، در حالی که اگر این امر الهی می‌بود، با یک فرمان«کن فیکون» کار انجام می‌پذیرفت. امام علی(ع) می‌فرمایند: «اگر از این فتنه‌ها و لغزشگاه با قدرت بگذرم، دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آورم»(حکمت/ ۲۷۲).

۵) مشورت و رایزنی در امر حکمرانی: نیازمندی به مشورت در امر حکمرانی از شاخصه‌های بشری بودن آن می‌باشد. زیرا اگر حکومت الهی می‌بود مشورت کردن معنا نداشت، زیرا با اتصال به عالم غیب، حکمرانی انجام می‌گرفت و دیگر هیچ نیازی به مشورت نبود. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «پس از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید»(خطبه/ ۲۱۶).

بررسی ویژگی‌های سلبی و ایجابی حکمرانان در نهج البلاغه

موضوع مهمی که آینده‌پژوهان اسلامی در خصوص حکمرانان و سرنوشت آینده جوامع تحت حکومت آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد، تحقیق پیرامون ویژگی‌های سلبی و ایجابی زمامداران است.از نظر امام علی(ع) کسانی که می‌خواهند امانت سنگین مسئولیت حکمرانی یک جامعه را بپذیرند باید دارای ویژگی‌های سلبی و ایجابی خاص و ممتازی باشند. آینده‌پژوهان در تحقیق و پیش‌بینی برخی از عوامل سقوط و انحطاط آینده جوامع، کافی است

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

به این موارد سلبی که حضرت علی(ع) در کلام ۱۳۱ در باره حاکمان فرموده‌اند، دقت داشته باشند. «و شما نیک می دانید که نه جایز است که بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمانان ولایت یابد و پیشوایی آنان را عهده‌دار شود تا در مال‌های آنان حریص گردد، و نه نادان تا به نادانی خویش مسلمانان را به گمراهی بَرد، و نه ستمکار تا به ستم، عطای آنان را بِبُرد، و نه حیف و میل کننده اموال، تا به مردمی ببخشد و مردمی را محروم سازد، و نه آنکه بخاطر حکم کردن رشوه ستاند تا حقوق را پایمال کند، و آنرا چنانچه باید نرساند، و نه آنکه سنت را ضایع سازد و امت را به هلاکت در اندازد»(کلام/ ۱۳۱). با دقت در فرازهای فوق امام علی(ع) ترسیم دقیقی از برخی ویژگی‌های سلبی حکمرانان رایادآور می‌شوند. رذائل اخلاقی مانند حرص، رشوه، بخل، خردگریزی، افراط و تفریط در امور، خود بزرگ‌بینی، عدم مشورت با خردمندان و استبداد رأی و مانند آن، ریشه در دنیا طلبی دارد چنانچه امام علی(ع) (به نقل از حضرت رسول اعظم(ص)) می‌فرمایند: «حُبُّ الدُنیا رأسُ کُلِّ خَطیئةٍ»٤١(ابو الحسن ابن علی الحرانی، ۱۳۹۲، ج۱۵)؛ لذا دربخش‌های مختلف نهج‌البلاغه تنفر شدید خود را از دلدادگی به دنیا اعلام می‌دارند. «از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا نافرمانی خدا نکنند و جز با رها کردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید»(حکمت/ ۳۸۵). و یا در نامه ٤٥ امام دوری جستن از دنیا را بطور کامل تشریح می‌فرمایند.

در برابر ویژگی‌های سلبی یاد شده خصوصیات ایجابی حکمرانان که سبب پیشرفت و ارتقاء آینده جوامع می‌شوند عبارت است از: ۱) چون حکمرانی جایگاه قدرت است، اگر حاکمان دارای تقوای الهی نباشند به شدت تحت وسوسه‌های نفسانی و شیطانی قرارخواهند گرفت، لذا بیشترین تأکید امام علی(ع) در نهج‌البلاغه بر این امر واقع شده است. «و او را فرمان داد که نفس خویش را از پیروی شهوت‌ها مهار سازد و در هنگام سرکشی‌ها آن را بازدارد، زیرا نفس فرمان دهنده به بدی است مگر آنکه خدا رحم نماید» (نامه/۵۳). ۲) حکمران باید یک انسان خردمند و مدیر و مدبّر باشد، تا بتواند به خوبی از پس مسائل جامعه برآمده تصمیمات درستی اتخاذ نماید تا علاوه بر پیشرفت جامعه، حقوق آحاد مردم نیز پاسداشته شود. «و عقلی چون دور اندیشی و تدبیر نیست»(حکمت/ ۱۱۳). ۳) حکمران باید دارای بصیرت و شناخت و آگاهی کافی برای رتق و فتق امور باشد تا جامعه را با جهل و نادانی به انحطاط و ضلالت سوق ندهد. «سزاوارترین مردمان به خلافت قوی‌ترین آنان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

بدان و داناترین‌شان به فرامین خداوند است»(خطبه/ ۱۷۳). ٤) یکی دیگر از شروط بنیادی حکمرانی در نهج‌البلاغه داشتن عدالت است. ویران کننده‌ترین و خانمان سوزترین چیزی که ممکن است شالوده یک نظام و جامعه را از هم بپاشاند، ظلم و بی‌عدالتی است. امام علی(ع) می‌فرمایند: «بدان که برترین بندگان خدا نزد او پیشوایی است عادل ، هدایت شده و راهبر، که سنتی را که شناخته است برپا دارد، و بدعتی را که ناشناخته است بمیراند. سنت‌ها روشن است و نشانه‌هایش هویداست، و بدعت‌ها آشکارا است و نشانه‌هایش برپاست. و بدترین مردمان نزد خدا پیشوایی است ستمگر، خود گمراه و موجب گمراهی دیگران، که سنت پذیرفته را بمیراند، و بدعت واگذارده را زنده گرداند»(کلام/ ١٦٤). ابن هلال ثقفی روایت می‌کند: «بزرگان کوفه گرچه در ظاهر خود را طرفدار امام وانمود می‌کردند ولی بخاطر توزیع عادلانه امکانات توسط امام(ع) با وی خصومت داشتند، در حالی که معاویه برای هر کدام از بزرگان و اشراف دو هزار دینار قرار داده بود»(ابن هلال ثقفی، ١٤٠٧: ٢٩). ٥) شرط بعدی حکمرانی داشتن سعه صدر در امور مدیریتی و صبر و بردباری در برابر مشکلات و توانایی حفظ حقوق مدنی و پاسداری از قوانین و مقررات می‌باشد. امام علی(ع) می‌فرمایند: «بر سر هر یک از کارهایت مهتری از آنان بگمار که نه بزرگی کار او را ناتوان سازد و نه بسیاری آن وی را پریشان نماید»(نامه/ ۵۳) و نیز می‌فرمایند: «ای مردم سزاوارترین اشخاص برای حکومت کسی است که بدان تواناتر باشد»(خطبه/ ۱۷۳). ٦) حکمرانان باید دارای روحیه ساده زیستی و دوری از اشرافی‌گری باشند تا مردم ناتوان با دیدن سلوک رفتاری آنان پریشان حال نشوند و او را همانند خود ببینند. امام علی(ع) در نامه ٤٥، عثمان ابن حنیف را بخاطر رفتن به میهمانی یکی از ثروتمندان بصره، بشدت ملامت می‌کنند تا درس عبرتی در سراسر تاریخ برای تمامی کارگزاران و حکمرانان باشد. در بخش پایانی کلام ۲۰۹ نیز می‌فرمایند: «خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند»(کلام/ ۲۰۹). ۷) شرط بعدی حکمرانی در نهج‌البلاغه داشتن روحیه مردم داری و حفظ کرامت آنان و عدم احتجاب والی از مردم می‌باشد. امام علی(ع) به مالک اشتر می‌فرمایند: «مبادا که دور از چشم مردم در سراپرده بمانی که غیبت حکمرانان از ملت، منشأ کم آگاهی از جریانهای کشور باشد»(نامه/ ۵۱). و یا رفتار امام(ع) در برخورد با استقبال مردم انبار در حکمت ۳۷ نشانه توجه ویژه امام(ع) به حفظ کرامت مردم و عدم ایجاد

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

روحیه خود بزرگ بینی در بین حکمرانان است. ۸) شرط ایجابی دیگرِ حکمرانان در پرتو نهج البلاغه، داشتن صداقت و صراحت با مردم است. معمولاً حکمرانان از صداقت گریزانند ولی از نظر امام علی(ع) داشتن صداقت و راستگویی از ارکان مهم یک حکمران بحساب می‌آید. «آنان زمامداران حق و یقین و پیشوایان دین‌اند و با گفتار راست قرین‌اند»(خطبه/ ۸۷). خود حضرت در زمانی که به خلافت رسیدند فرمودند: «پیمان من بدانچه می‌گویم در گرو است و به درستی گفتارم متعهد و پایبندم...به خدا سوگند به اندازه سر سوزنی را پنهان ندارم و هیچ نوع دروغی نگویم»(خطبه/ ١٦). بنابر این در منطق امام علی(ع) هیچ امری از امور حکومتی بجز اسرار نظامی و امنیتی، نباید از مردم پنهان داشته شود. «بدانید حق شما در نزد من آن است که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ(که از پوشاندن آن ناچارم)»(نامه/ ۵۱). و در یک کلام، نتیجه می‌گیریم که، حکمرانان باید دارای صبغه الهی باشند، که اتّم آنرا در پیامبران(ص) و امامان(ع) می‌توان دید، لذا مردم را باید ترغیب به پیروی از آنان کرد تا سعادتمند شوند. افلاطون در مقدمه کتاب چهارمِ جمهور خود پس از بیان ویژگی‌های چهارگانه افراد و جامعه بشری در شهر آرمانی خود به نقل از ارسطو، اشاره‌ای به خصوصیات و وظائف زمامداران نیز دارد(افلاطون، ١٣٦٨ش: ٢٢٧-٢٣٨) و در ادامه می‌گوید: « باید آنان (مردم-کارگران و پیشه‌وران) را وادار کنیم که از هر حیث مطیع انسان شریف(منظور حکمران) شوند زیرا نیروی الهی بر نفس وی حکومت می‌کند».

حکمرانی صالحان در آینده‌پژوهی اسلامی

نه تنها اسلام، بلکه همه ادیان الهی دارای آموزه‌ها و گزاره‌هایی بودند که با آینده بشریت ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند.(ابراهیم‌نژاد، ١٣٨٥، ص ٦٠٢). در نتیجه با نگاه به طول تاریخ زندگی بشری، می‌توان انگیزه‌های اندیشیدن انسان در باره آینده را به دو عامل مهم نسبت داد. ۱)عقل به عنوان عامل درونی(حجت باطنی) و ۲)تعالیم انبیای الهی، به ویژه تعالیم قرآن و اهل بیت(ع) به عنوان عامل بیرونی(حجت ظاهری). امام جعفر صادق(ع) در این زمینه می‌فرمایند:«هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت(آینده مطلوب) می‌رود».(مصطفوی، بی‌تا، ج۱: ۱۲). در زمان غیبت علما و صالحان به‌عنوان امینان وحی الهی و مقدمه‌چینان ظهور حضرت حجت(عج) باید زمینه تحقق آن انقلاب بزرگ الهی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

را فراهم سازند، لذا توجه به نایبان امام زمان(ع) در دوره غیبت از مسائل مهم در تحقیق آینده‌پژوهی اسلامی بحساب می‌آید. «مسأله نیابت امام زمان(عج) در زمان غیبت مسأله اصلی برای شیعیان است که آثار سیاسی و اجتماعی فراوان داشته است...سابقه نیابت در تشیع، خود ریشه تاریخی دارد و حتی از زمان خود امامان شیعه آغاز شده است»(موثقی و اعتمادی‌فر، ۱۳۹۲: ٦). خاستگاه نگاه به آینده در اسلام، صرفاً حفظ بقا و کسب رفاه مادی نیست، بلکه با هدایتِ وحی، سعی در تعالی و تکامل به قرب الهی و جانشینی خدا دارد. یعنی انسان با تعالیم وحی، خود را نیازمند آینده‌نگری در دو بُعد جسمانی و روحانی می‌یابد. در برخی از آیات قرآن مجید و بخش‌هایی از نهج‌البلاغه می‌توان نوید آینده حکمرانی صالحان بر جوامع بشری را مشاهده کرد. این ویژگی‌ها که کامل‌ترین آنرا در جامعه مهدوی می‌توان دید، دقیقاً همان خصوصیاتی است که در جامعه علوی به استناد نهج‌البلاغه(در بخش‌های فوق اشاره کردیم)، می‌باشند. برخی از این آیات که نوید حکمرانی نیکان بر عالَم و گسترش عدل، قِسط، امنیت، رفاه، آزادیِ واقعی و در یک کلام داشتن یک زندگی ایده‌آل و آبرومندانه، در آینده بشارت داده شده به قرار زیر است. «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین(خود) قرار دهد همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین(خود) قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند»(نور/ ۵۵). در آیات ۳۳ توبه و ۲۸ فتح و ۹ صف، خداوند سبحان عبودیت خود را در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی، بر اساس برنامه‌ریزی و در چارچوب اصل اختیار قرار داده است که انسان‌ها از آن بهره‌مند می‌باشند. این آیات کریمه، به آینده جوامع انسانی بر اساس خوش‌بینی به جریان نظام جهان و طرد هرگونه بدبینی در باره پایان کار بشر تاکید ورزیده است. در آیه۳ مائده بیان می‌کند که دین با پشت سر گذاشتن مراحل مختلف در کامل‌ترین شکل خود به بشر عرضه شده و بندگان شایسته خداوند سبحان، وارثان آینده زمین خواهند شد.«وَ لَقَد کَتَبنا فِی الزَبُور مِن بَعدِ الذِکرِ أنَّ الارضَ یَرِثُها عِبادی الصالِحُون»(انبیاء/ ۱۰۵). بنابر این دین مبین اسلام نویدبخش آینده سعادت‌مند برای بشریت و حکمرانی صالحان و نیکوکاران است «کَتَبَ الله لَاَغلَبَنَ أنا وَ رُسُلی »(مجادله/ ۲۱) و «وَ نُریدُ أن نَمُنّ علَی الذّین استُضعِفوا فِی الارضِ وَ نَجعَلَهُم أئِمّةً و نَجعَلَهُمُ الوارِثین»(قصص/ ۵).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

(مشابه این آیات بسیار فراوان است مانند : آیات شریفه۵۱ غافر و ۳۳ توبه و ۸ صف و ۱۷۲ و ۱۷۳ صافات و ۱۸ انبیاء و ٤ روم و غیره). ابو امامه باهلی از رسول خدا(ص) نقل می‌کند: «در آن زمان سلطنت کفار گرفته خواهد شد و سلطنتی برای غیر از اسلام نیست، زمین چون سفره نقره می‌شود» (سیدابن طاووس، ۱۳۸۱، ص ٦٨). شهید مطهری در مجموعه آثارشان دارند: «هدف از بعثت انبیا گسترش توحید نظری و عملی فردی و اجتماعی است» (مطهری، ۱۳۸۸، ج۲، صص۱۷۷-۱۷۹). ایده حکمرانی آینده اولیاء و مصلحان الهی در مقیاس جهانی، بزرگ‌ترین ره‌آوردی است که در آیه شریفه٤١ حج آمده است «الّذینَ إن مَکّنّاهُم فی الارضِ أقامُ الصلوهٔ وَ آتوا الزکوهٔ وَ أمَروآ بالمَعروفِ وَ نَهَو عَنِ المُنکَر». بنابر این محققان آینده‌پژوه اسلامی درحکمرانی مصلحان، سه موضوع را در نظر خواهند داشت؛ اولاً: اهتمام به معنویت وعبودیت خداوند سبحان در چنین نظامی تقویت می‌گردد، ثانیاً: برای رفع نیازمندی‌های مادی و اقتصادی مردم تلاش خواهد شد و ثالثاً: نظارت سخت و مؤکّد بر عدم انحراف عقاید و اخلاق مردم مورد توجه واقع خواهد شد؛ زیرا بصیرت مردم در آن زمان، مانند پیروان واقعی حضرت رسول(ص) متعالی می‌گردد «حمَلوا بَصائِرَهُم علی أسیَافِهم»(خطبه/ ۱۵۰). آینده حکمرانی(جامعه مهدوی) در پرتو نهج‌البلاغه تصویر تمام عیار سیره و سنت نبوی و علوی است که بر خود سخت‌گیر بودند و لباس خشن می-پوشیدند، اما با مردم بسیار مهربان هستند. در بخشی از خطبه۱۵۰ نهج‌البلاغه امام علی(ع) می-فرمایند: «بدانید آن کس از ما(حضرت مهدی «عج»)که فتنه‌های آینده را دریابد با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر اعظم(ص) و امامان(ع) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید و بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد. جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق جویانِ پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. حضرت مهدی(ع) سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آنچنان‌که اثرشناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای در هم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند، دیده‌هاشان با قرآن روشنایی گیرد و در گوشهایشان تفسیر قرآن طنین افکند و در صبح‌گاهان و شام‌گاهان جام‌های حکمت سر کشند»(خطبه/ ۱۵۰). همانگونه که ملاحظه می‌شود، آینده جهان در پرتو نهج‌البلاغه بسیار مثبت، روشن و متکامل است، درست بر خلاف نظریه پردازانی که آینده را وحشت‌زا و تاریک معرفی می‌کنند. در بخش دیگری،

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

امام(ع) در وصف آینده حکمرانی(حضرت حجت «عج») اینگونه می‌فرمایند: «زره دانش بر تن دارد و با تمامی آداب و با توجه و معرفت کامل آن را فرا گرفته است. حکمت، گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد و نیاز اوست که در بدست آوردنش می‌پرسد. در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دُم خود را به حرکت درآورد، گردن به زمین می‌چسباند(ضرب المثلی که نشانه، ضعف و درماندگی است) او پنهان خواهد شد(دوران غیبت) و او باقیمانده حجّت‌های الهی و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است»(خطبه/ ۱۸۲).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

نتیجه

بر اساس ویژگی‌ها و ابعادی که از مدینه فاضله آخر الزمان بیان شد، تصویر واضحی به عنوان الگو و چراغ راه برای اداره جوامع جهت رسیدن به زمان ظهور حضرت حجت(عج) ارائه گردید. در این راستا، ویژگی حاکمان و حکومت و آینده حکمرانی مطلوب و مرجح(تعریفی آینده‌پژوهی) را در پرتو نهج‌البلاغه مورد ارزیابی قرار دادیم. آینده‌پژوهان در تحقیقات خود نمونه‌اتم و کامل حکمرانی در مدینه فاضله را در زمان حضرت حجت(عج) که بر سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) می‌باشد را جستجو می‌نمایند. در یک جمع‌بندی، برخی از این خصوصیات عبارتند از: ۱) گسترش جهانی عدالت ۲) زنده کردن اسلام ۳) برپایی تمدّن اسلامی ٤) کشف تمام سطوح علم ۵) رفاه عمومی ٦) پیشرفت علوم طبیعی و وسایل زندگی ۷) امنیت در سراسر دنیا ۸) سختگیری با مسئولین ۹) مهربانی با مردم ۱۰) سادگی و عدم تجمل گرایی. که این جریانات فوق الذکر در چند گام بوقوع می‌پیوندد. اولاً: همه قوانینِ تعطیل شده در همهِ عرصه‌های زندگیِ مردم و نشانه‌ها و آیات محو شده خداوند سبحان از اصول اسلامی، توسط حکمرانی که تمامی ویژگیهای حاکم الهی را داراست، مجدداً احیا و باز گردانده می‌شوند. ثانیاً: اصلاح اساسی و زیربنایی در تمامی عرصه‌های جوامع بشری بگونه‌ای می‌شود که همه علائم آن در نظر هر بیننده‌ای هویدا و آشکار خواهد شد و ثالثاً: بندگان مظلوم خدا از شرّ ظالمان امان یافته، دست تطاول ستمکاران از سر ستمدیدگان کوتاه خواهد. انشالله تعالی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

منابع

آجیلی، هادی و بیکی، مهدی (۱۳۹۵). «واکاوی دگردیسی سیاسی جنبش اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین تونس»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره اول، بهار.

ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۵). «پیامبران و تمدن آینده بشر»، شماره ۲،(پیاپی ٦٠٢)، *نشریه مکتب اسلام*، اردیبهشت.

ابن ابی الحدید معتزلی، عز الدین عبد الحمید ابن هبه الله (۱۳۷۸ه.ق). *شرح نهج البلاغه*، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعه الاولی، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، ج ١٤.

ابو اسحاق ابراهیم ابن محمد الکوفی المعروف بابن هلال الثقفی(ف ۲۸۳ ق) (١٤٠٧ق). *الغارات، حقّقه و علّق علیه السید عبدالزهراء الحسینی الخطیب*، الطبعة الاولی، بیروت: دار الأضواء.

ابو محمد الحسن ابن علی ابن الحسین ابن شعبه الحرانی (١٣٩٤ه.ق). *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: مکتبه بصیرتی، ج ۱۵.

افلاطون (١٣٦٨). *جمهور*، ترجمه فؤاد روحانی، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

جمال الدین محمد خوانساری (ف١١٢٥ق) (١٣٦٠). *شرح غرر الحکم و درر الکلام*، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج۳.

جوادی آملی، عبدالله (١٣٦٨). *ولایت فقیه*، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.

دارابی، علی (۱۳۹۵). *آینده پژوهی انقلاب اسلامی- بیم‌ها و امیدها*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

درخشه، جلال و کمالی، علی (۱۳۹۵). «بازنمائی«کنش حمایت‌گرانه» در آینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سا ل ششم، شماره اول، بهار.

دهشیری، محمدرضا و مقامی اسماعیل، زمستان ١٣٩٤، بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره٤

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۱ ، *سیره نبوی*، تهران، انتشارات دریا، دفتر دوم سیره اجتماعی

سید ابن طاووس (۱۳۸۱). *الملاحم و الفتن*، ترجمه محمد جواد نجفی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسلامیه.

عامری گلستانی، حامد و قادری، نفیسه سادات (۱۳۹۱). «نگاهی گفتمانی به اسلام هراسی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال دوم، شماره چهارم، زمستان.

مافی، فرزانه (۱۳۹۰). پژوهشی در حوزه آینده پژوهی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام

مصطفوی خراسانی، جواد (بی‌تا). *ترجمه و شرح اصول کافی*، تهران: انتشارات قائم.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *مجموعه آثار، به نقل از آینده بشریت از دیدگاه شهید مطهری*، سید سعید حسینی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.

موسوی خمینی، روح الله (١٣٦٢). *طلب و اراده*، ترجمه و شرح احمد فهری، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

علمی و فرهنگی.
موسوی خمینی، روح الله (بی تا). *ولایت فقیه و جهاد اکبر*، تهران: انتشارات محمد.
موثقی، سید احمد و اعتمادی‌فر، امین (۱۳۹۲). «زمینه‌های اجتماعی اسلام‌گرایان ایران و بسا اسلام‌گرائی ترکیه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره چهارم، زمستان.
وندل بل (۱۳۹۲). *مبانی آینده‌پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، چاپ اول، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، بهار.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۳۰۷
امین ناجی، محمد هادی؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ محتشمی، احمد (۱۳۹۵)، «ویژگی‌های حکومت آخر الزمان به عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج البلاغه» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س٦، ش۳، پاییز ۹۵، صص ١٦٥-١٤٥.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]